

## نوروز در کتابهای مذهبی شیعه

و بررسی ریشه‌های آن\*

عبدالامیر سلیم

جشن نوروز که مصادف با نخستین روز فروردین ماه و آغاز سال ما ایرانیان است در دین اسلام (مذهب شیعه) نیز محترم شمرده شده و احادیث متعددی در فضیلت آن از پیشوایان مذهب بما رسیده است. در این گفتار خلاصه‌یی از آنچه راجع به نوروز در معارف شیعه آمده است نقل میشود گرچه این قبیل احادیث اختصاص به منابع شیعی ندارد و در آثار عامه نیز اشاراتی بدان رفته است. مثلاً در ربیع الابرار زمخشری آمده است: نعمان پسر مرزبان، نیای ابوحنیفه، در روز نوروز پالوده‌ای به حضرت علی ع هدیه کرد. حضرت فرمود: این چیست؟ گفت: امروز نوروز است. پس علی ع فرمود نیرزونا کل یوم. این مطلب را صاحب قاموس و ابن خلکان و دیگران نیز نقل کرده‌اند.

این جشن در دربار خلیفه‌های عباسی و امرای علوی طبرستان و حتی پادشاهان متعصب ترك نژاد مانند محمود غزنوی نیز باشکوه برگزار می‌شد. مطالعه دیوانهای شعرای آن زمان، خاصه دیوان سید رضی، بهترین نمایشگر وضع نوروز در آن زمان است. چون بحث و بررسی در این زمینه‌ها خارج از موضوع اصلی است از بسط و تفصیل خودداری شد.

---

\* این مقاله به تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۴۹ در جلسات ویژه نوروز در ساختمان نوین موزه ایران باستان القا شده است.

اخباری که در این گفتار به آنها اشارت می‌رود همه از کتاب بحارالانوار تألیف محمد باقر مجلسی، چاپ معروف به کمپانی، نقل شده است جز در مواردی که نام کتاب با ذکر صفحه و تاریخ و محل چاپ مشخص شده باشد.

درباره تعیین «میقات سحره» در دربار فرعون در بحارالانوار ج ۱۴ ص ۲۵۷ چنین آورده است: ابن عباس گوید: آن روز، عاشورا و مصادف با روز شنبه و نخستین روز سال بود و آن روز نوروز است که روز عید و جشن آنان بود و مردم از اکناف و اطراف در آن روز گرد هم می‌آمدند. و در ج ۹ ص ۲۱۱ همان کتاب آورده است: در خبری است که در آن روز (روز عید غدیر) پنج عید: جمعه و غدیر و عید یهودیان و نصاری و مغان با یکدیگر توافق کردند و در گذشته چنین اتفاقی، تا آنجا که مسموع است، رخ نداده بود.

مجلسی حدیثی در ج ۱۱ ص ۲۶۴ و شبیه به آن را بنقل از مناقب ابن شهر آشوب در ج ۱۴ ص ۲۰۸ کتاب بحارالانوار نقل کرده است بدین مضمون: حکایت شده است که منصور (عباسی) به موسی بن جعفر ع پیشنهاد کرد که روز نوروز برای عرض تبریک جلوس کند و هدایایی که بحضور می‌آورند بپذیرد. پس امام فرمود: من اخبار جدم رسول خدا را بررسی کردم و خبری راجع به این عید در آن نیافتم و اینکه این عید سنت پارسیان است و اسلام آنرا محو کرده است و بخدا پناه می‌بریم که آنچه را که اسلام محو و نابود کرده است زنده کنیم. منصور گفت ما اینکار را برای سیاست سپاه انجام می‌دهیم، تو را بخدای بزرگ سوگند می‌دهم که جلوس کنی پس امام در آن مجلس نشست و پادشاهان و فرماندهان و سپاهیان بحضور او، تبریک گویان، رسیدند و هدیه‌ها و تحفه‌ها تقدیم کردند.

خادم منصور پشت سر امام ایستاده بود و هدایا را بر می‌شمرد. در پایان پیرمردی

بر او درآمد و گفت ای پسر دختر پیغمبر من مردی فقیرم و چیزی ندارم تا آنرا بحضورت تقدیم کنم. تحفه من سه بیت شعر است که جدم درباره جدت حسین بن علی سروده است:

عجبت لمصقول علاك فرنده      يوم الهياج وقد علاك غبار  
ولاسهم نفذتك دون حرائر      يدعون جدك والدموع غزار  
ألا تغضضت السهام و عاقها      عن جسمك الاجلال والاكبار

فرمود: بنشین خداوند ترا برکت دهد. پس سر بسوی خادم برداشت و گفت برو پیش امیرالمؤمنین و او را از این حال آگاه ساز و پیرس با این مال چه باید کرد. خادم رفت و چون برگشت چنین پیام آورد که تمامی این هدایا به شما بخشیده می‌شود و هر چه خواهی با آن بکن پس امام به شیخ گفت همه اینها را بردار و ببر چون بتو بخشیده‌ام.

علمای شیعه یا این حکایت را نقل نکرده‌اند و یا آنرا بیابیه‌ای ندانسته‌اند که بتواند با روایت معلی معارضه کند. بعلاوه مفهوم آن طوری است که میتوان آنرا حمل بر تقیه نیز کرد. ولی خبر معلی سندش معتبرتر و در میان اصحاب حدیث مشهورتر است. حدیث معلی بن خنیس یا حدیث نوروز: این حدیث به چند نوع روایت شده است که مشهورترین و مفصلترین آنها در ج ۱۴ ص ۲۰۶ بحار چنین آمده است: در کتاب معتبری دیدم، فضل‌الله بن علی بن عبیدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبیدالله بن حسین بن علی بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن علی بن ابی طالب. خداوند در دو جهان با او به نیکی رفتار کند - از ابو عبدالله جعفر بن محمد بن احمد بن عباس دوریستی، از ابو محمد جعفر بن احمد بن علی مونسی قمی از علی بن بلال، از احمد بن محمد بن یوسف، از حبیب‌الخیر، از محمد بن حسین صایغ، از پدرش از معلی بن

خنیس روایت کرده است که گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق در آمدم پس گفت آیا این روز را می شناسی؟ گفتم: فدای تو گردم این روزی است که ایرانیان آنرا بزرگ می دارند و بیسکدیگر هدیه و ارمغان می دهند. پس ابو عبدالله صادق ع گفت: سوگند به خانه کهنی که در مکه است. این (بزرگداشت نوروز) نیست مگر بعلمت امری کهن که برایت بازگو می کنم تا آنرا دریابی. گفتم سرور من آگاه شدن بر این موضوع از جانب شما در نظرم پسندیده تر از زندگی کردن در گذشتگان و مرگ دشمنان من است. پس گفت: ای معلی، روز نوروز همان روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را پرستند و او را انبازی نگیرند و به پیامبران و حجج و امامان ایمان بیاورند، همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادها وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفان و درخشان گردید، همان روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی آرام گرفت، همان روزی است که خداوند زندگی بخشید به آنان که از ترس مرگ از خانه و کاشانه خود بیرون شدند و هزاران تن بودند پس خداوند به آنان فرمان داد که بمیرید، سپس ایشانرا در این روز (دوباره) زنده کرد، همان روزی است که جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و همان روزی است که پیامبر خدا امیر المؤمنین علی را بردوش خود برداشت تا بتهای قریش را از بالای بیت الله الحرام (کعبه) بزیر افکند و بتان را خرد کند چنانکه ابراهیم نیز این کار بکرد، همان روزی است که پیامبر به یاران (صحابه) خود دستور داد تا با علی ع به عنوان امیر المؤمنینی بیعت کنند، و همان روزی است که پیامبر ص علی ع را به وادی الجن (دره جنیان) فرستاد تا از آنان برای خود بیعت بگیرد و همان روزی است که برای بار دوم با علی ع بیعت کردند و همان روزی است که علی ع بر مردم نهروان (خوارج) پیروز شد و ذوالثدیه<sup>۲</sup> را بکشت

۱- الذین خرجوا من ديارهم وهم الوف حذرا الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم .

۲- حرقوص بن زهير ملقب به ذوالثدیه یکی از پیشوایان خوارج نهروان .

همان روزی است که قائم ما (قائم آل محمد) و اولیای امر در آن ظهور کنند و همان روزی است که قائم بر دجال پیروز شود و او را در کناسه کوفه بر دارکشد. و هیچ روز نوروزی نیست که ما در آن روز متوقع فرج نباشیم زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست، ایرانیان (حرمت) آنرا نگاه داشتند و شما (اعراب) آنرا ضایع و مهممل داشتید و نیز گفت: پیامبری از پیامبران از خدای خود پرسید که چگونه آنان را که (از خانه و کاشانه خود از ترس مرگ) بیرون شدند زنده کرد. پس خداوند از راه وحی به او دستور داد تا در این روز که نخستین روز از سال ایرانیان است بر آنان (مردگان) در آرامگاهشان آب بریزد (چون چنین بکرد) مردگان زنده شدند و ایشان سی هزار تن بودند و از اینرو «آبریزی» در نوروز سنت شد... و در نسخه دیگر از این روایت که در ج ۵ بحار الانوار ص ۳۱۵ بنقل از احمد بن فهد در کتاب المذهب آمده است پس از این افزوده است: سبب و علت این سنت را نمی‌داند مگر آنها که در علم و دانش پایگاهی دارند (لا یعرف سببها الا الراسخون فی العلم).

پیش از اینکه به قسمتهای دیگر پردازیم بی‌مناسبت نیست اگر بخش آخر این حدیث را با آنچه که در معجم البلدان (ج اول ص ۶۷۰ - ۶۶۹ چاپ لایپزیک) آمده است به سنجیم. حسین بن عمر رستمی که از فرماندهان سپاه بود از موبدان خراسان سبب پیدایش نوروز و مهرگان را پرسید و موبدی علت پیدایش نوروز را چنین شرح داد که در بطیحه (جایی میان بصره و واسط) و بایی پدیدار آمد و ساکنان ناچار از آنجا بگریختند ولی مرگ برایشان دست یافت و همگی بمردند. چون نخستین روز فروردین رسید خداوند بارانی برایشان ببارید و آنانرا زنده کرد پس به خانه و کاشانه‌های خود بازگشتند. پس پادشاه، این زمان، بگفت این نوروز است یعنی روز نوی است و در نتیجه این روز بدان نامیده شد و مردم آنرا مبارک شمرده عید گرفتند.

حدیث معلی را محمد باقر مجلسی در ص ۲۱۳ ج ۱۴ بحار الانوار به روایت دیگر از یکی از معاصران خود بنام سید مرتضی علامه بهاءالدین علی بن عبدالحمید نسابه، با قید دامت فضائله، بسند خود از معلی بن خنیس از امام صادق ع روایت کرده و تقریباً همان مطالب را نقل کرده است.

نخستین کسی که از نماز و روزه و دعای روز نوروز یاد کرده است شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی است که در مختصر مصباح به شرح آن پرداخته و ابن ادریس در «سرائر» از او نقل کرده است و محمد باقر مجلسی در کتاب «زادالمعاد» پس از ذکر فضایل این روز و اینکه نوروز - علاوه بر آنچه را که گفته آمد - موافق با روز مبعث و ۲۷ ماه رجب بود و در همان روز پیامبر اسلام به پیامبری مبعوث شد، چنین آورده است: پس حضرت صادق ع به معلی فرمود: چون نوروز شود غسل بکن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش و به بهترین بویها خود را خوشبو کن و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار، هر دو رکعت بیک سلام، در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه و در رکعت دوم بعد از حمد ده بار سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد از حمد ده بار سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده بار سوره قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز سجده شکر بجای آور و بگو ... - دعایی در حدود هشت سطر - چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود.

نکته قابل ذکر این است که تعیین روز نوروز برای فقهای مذهب شیعه چندان آسان و بی‌گفتگو نبوده است. مطالعه ج ۱۴ بحار الانوار از ص ۲۱۲ ببعده میرساند که تا چه پایه در این موضوع اختلاف داشتند و بطور خلاصه شیخ طوسی و کسائی (فقیهانی) که پس از او آمدند نوروز و اعمال آن را از غسل و روزه و نماز و دیگر اعمال نقل

کرده‌اند. محمدبن ادریس در سرائر نخستین کسی است که در تعیین این روز و عبارت دیگر در تطبیق این روز با روز معینی از ماههای رومی (شمسی) و عربی (قمری) سخن رانده و تحقیق یکی از دانشمندان ریاضی‌دان و بصیر به علم هیأت را نقل کرده است که نوروز مصادف با دهمین روز از ایار است و چون نه روز از ایار بگذرد روز بعد از آن نوروز است. شهید اول نوروز را روز آغاز سال ایرانیان یا حلول خورشید در برج حمل و یا دهم ایار گرفته است. ابن‌فهد حلی در کتاب المذهب البارع فی شرح المختصر النافع درباره نوروز آورده است: این روزی است جلیل القدر و تعیین آن دشوار، با آنکه معرفت آن امری مهم بشمار میرود چون در این روز عبادتی مطلوب شارع است و امتثال امر شارع متوقف بر معرفت این روز است. سپس اقوال پیشینیان را نقل کرده است. برخی نهم ماه شباط را روز نوروز دانسته‌اند ولی بنظر بیشتر فقها نوروز همان روز انتقال خورشید به برج حمل است. سیدرضی‌الدین علی‌بن طاووس بنقل بحار الانوار ج ۱۴ ص ۲۱۳ گوید که آغاز جهان و خلقت دنیا در نisan اتفاق افتاده است و بیشك نisan آن‌گاه شروع میشود که خورشید در برج حمل است و چون آغاز خلقت و آفرینش جهان در چنین روزی بوده است مناسب است که روز جشن و سرور نیز باشد و از اینرو بکار بردن بهترین بوی خوش و پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس و جامه و مواجه شدن با چنین روزی با سپاسگزاری و دعا و آماده شدن برای آن از راه غسل و تکمیل آن با نماز و روزه مستحب است.

مطلب دیگری که جلب توجه فقها و دانشمندان مذهب را کرده است این است که چگونه می‌توان روز نوروز را با روزهایی که حوادثی از قبیل نشستن کشتی نوح بر کوه و نخستین نزول جبرئیل بر پیامبر و شکستن بت‌های کعبه و عید غدیر و بخلافت رسیدن امیرالمؤمنین پس از مرگ عثمان منطبق کرد چون تاریخ دقیق برخی از این

حوادث بر ما معلوم است و با محاسبه نمی‌توان به‌چنین تطبیقی رسید جز اینکه برخی از این حوادث را منطبق بانوروز با حساب سال ۳۶۰ روز و برخی را بانوروز با حساب سال ۳۶۵ روز بدانیم و کمی هم در وقت تواریخ فوق‌اشتباه روا داریم. البته در مورد حوادثی که آغاز و تاریخ دقیق آن بر ما نامعلوم است از قبیل پیمان گرفتن از بندگان و نخستین طلوع آفتاب و وزش باد و تشکیل یافتن زمین و قرار گرفتن کشتی نوح بر کوه جودی یا زنده کردن مردگان و فرستادن علی ع به وادی الجن همچنین پیش‌بینی‌هایی که هنوز جامه عمل نپوشیده است از قبیل ظهور قائم آل محمد ع و اولیای امر و پیروزی قائم ع بر دجال، در این موارد می‌توان، این حدیث را پذیرفت و تنها اشکال کار، در تطبیق عید غدیر به سال ۱۰ هجری و روز بیعت مجدد با علی ع پس از مرگ عثمان با روز نوروز، همچنان به قوت خود باقی است.

در ضمن بررسی اخبار به روایاتی متعدد مربوط به اختیارات ایام بر می‌خوریم و خلاصه آنچه که درباره روز اول یعنی هر مزد روز آمده است بعرض میرسد:

۱- سید بن طاووس در کتاب الدرر العقیقه بنقل از امام صادق ع آورده است که خداوند آدم را در این روز آفرید، روزی است خجسته برای طلب حوائج و بخدمت سلطان رسیدن و علم اندوختن و ازدواج و سفر و خرید و فروش و تربیت و بکار گرفتن چهارپایان. هر کس در این روز بگریزد یا گم شود تاهشت روز پیدا خواهد شد (بر او دست خواهند یافت) و بیمار در این روز بهبود یابد و هر کس در این روز زاده شود بزرگوار و با روزی و خجسته باشد. باز سید بن طاووس در روایت دیگری از امام صادق نقل کرده است که روزی است خداوند آدم را در آن بیافرید، نیک و میمون است. در این روز با پادشاه گفتگو کن و همسر گرین و هر چه می‌خواهی بکن. و از سلمان روایت کرده است که روز هر مزد نامی از نامهای خدای متعال است روزی است پسندیده



و مبارك، نيك است در آن طلب حوائج و در آمدن بر پادشاه. و در دو کتاب زوائد الفوائد و مکالم الاخلاق نیز ضمن روایت از امام صادق مطالبی شبیه با آنچه عرض شد آمده است .

۲- در روایت معلی بن خنیس که به مقدمه آن اشاره شد، بنقل از امام صادق ع،

آمده است : نخستین روز از هر ماه هر مزد روز است، نامی از نامهای خداوند . آدم در این روز آفریده شد . پارسیان گویند روزی نیک است و مناسب برای نوشیدن و شادی کردن و حضرت صادق گوید روزی خجسته و مبارك و روز شادمانی است ، با امیران و بزرگان به گفتگو پردازید و طلب حاجت کنید که به موفقیت خواهد انجامید . . .

۳- در روایتی که در یکی از کتابهای نجومی ( بنقل از بحار الانوار ص ۲۰۹

ج ۱۴ ) آمده است : اول هر مزد و آن نام خداوند است. سپس به شرح اختیارات این روز پرداخته است .

۴- در روایت ابو نصر یحیی بن جریر تکریمی در کتاب المختار فی الاختیارات

از امام صادق ع نقل کرده است : خداوند در نخستین روز ماه آدم را بیافرید و آن روزی است خجسته، نیک است گفتگو کردن با فرماندهان .

مطالعه احادیث فوق بی اختیار ما را به مقایسه محتوای این احادیث با آثار

زیر میخواند :

سیروزه بزرگ ، سیروزه کوچک ، قسمتهایی از بندهش ، شایست نشایست ،

مادیگان سی یزدان ، ستایش سی زوزه ، مادیگان سی روز که جزو اندر ز آذریاد مهر اسپندان است و دیگر آثار در این زمینه .

آیا همه این مطالب که در اخبار آمده است به توسط زردشتیانی که مسلمان

شده بودند و یا تظاهر به اسلام میکردند وارد شده است مطلبی است که نمیتوان به آسانی

جواب مثبت به آن داد و چه بسا که نوروز و مهرگان و دیگر جشنهای باستانی ایران

همراه با سربازان دلیر ایران به مردم دیگر نقاط جهان معرفی شده است و اگر در آثار منسوب به قدما خاصه عرب جاهلیت ذکری از نوروز بمیان نیامده است این مطلب را نمیتوان دلیل بر عدم آشنائی اعراب جاهلیت به نوروز دانست گرچه در اصالت ادبیات معروف به ادب جاهلی هم جای سخنها است .

در گفتارهای مربوط به نوروز بطور قطع به نوروز عامه و نوروز خاصه یعنی روز خرداد (روز ششم) از فروردین ماه اشاره شده و اگر مراد از نوروز همان نوروز خاصه باشد در این صورت می توان در حدیث معلی بن خنیس از سویی و متن پهلوی موسوم به « ماه فروردین روز خرداد » از سوی دیگر همانندیهایی یافت . مقایسه این دو متن از حوصله این گفتار بیرون است و بناچار بیرخی از قسمتهای مهم متن اخیر اشاره می شود :

پرسید اشو زردشت از اهرمزد که چرا مردمان ماه فروردین روز خرداد را از دیگر روزها بهتر و مهتر و گرامیتر دارند. اهرمزد پاسخ کرد که ای سپیتمان زردشت ماه فروردین روز خرداد جان جهانیان دادم (آفریدم)، بن ایرج و بن ایرانی و نیرانی پیدا آمد کیومرث اندر جهان به پیدایی آمد، مهری و مهریانه از زمین فرا رستند، هوشنگ پیشداد اندر جهان به پیدایی آمد، طهمورث اهریمن دروند را به بازه کرد سی سال و جم جهان را بیمارگ کرد و بی زرمای (بی پیری = جاودان) کرد، جم پیمانیهی از دوزخ بیاورد و اندر جهان به پیدایی آمد، جم استودانها کرد و بمردمان فرمود کردن چون فرموده جم دیدند روز به نوروز کردند و نوروز نام نهاد، فریدون جهان را میان ایرج و سلم و تور بخش کرد، منوچهر بر کین ایرج بیرون آمد و سلم و تور را به کین ایرج بکشت، در این روز گروهی از پیروان دیوان شکست خوردند و برگزیده های یزدان به پیروزی رسیدند - برای شرح و تفصیل مراجعه شود به متون پهلوی جاماسب

اسانا ص ۱۰۸-۱۰۲ ، زردشت سپیتیمان به بینش و همپرسگی اهرمزد خدای (پذیرش وحی) رسید ، زردشت دین مزدیسنان از اهرمزد خدای پذیرفت و کی گشتاسپ شاه دین از زردشت بپذیرفت .

و نیز در این روز حوادثی از این قبیل اتفاق افتد : بهرام ورجاوند از هندوان به پیدایی آید، پشوتن گشتاسپان از گنگک دژ بایران شهر آید و دین مزدیسنان روا کند و هوشیدر زردشتان به بینش و همپرسگی اهرمزد خدای رسد و دین مزدیسنان از اهرمزد خدای بیک بار بچاشد (فوراً بیاموزد) و برم کند (از بر کند) و خورشید را به میان آسمان بر نیمروز ده روز و شبان بازگیرد و مردمان را بدین مزدیسنان بی گمان کند و بن هزاره هوشیدران بود و آن زردشتان به سرشود ... اهرمزد خدای رستاخیز و تن پسین کند، جهان بی مرگ و بی زرمان و بی بیش (رنج) و پتیاره شود ... تحلیل دقیق این متن و مقایسه آن با حدیث معلی و دیگر احادیثی که در مورد خلقت جهان، ظهور و زندگانی مجدد آمده است شایسته یک گفتار دیگر بلکه یک اثر مفصل است .